



تجهیز منابع مالی برای تسهیلات قرض الحسنه از طریق وقف

1- مجید طاهری مروست، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، ایران.

taheri.1350@yahoo.com

2- فاطمه ساجدی، کارشناسی ارشد گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، ایران.

sajedi.mail201@gmail.com

3- عبدالرضا حسینلو، کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی و مالی، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران، واحد تهران، ایران.

abdolreza92@yahoo.com

چکیده

دین مبین و نوع دوست اسلام از زمانهای قدیم با هدف دستگیری از انسان های نیازمند در جامعهء مسلمانان رواج ایده های مختلف در قالب احکام شرعی از قبیل: زکات، صدقه، وقف و قرض الحسنه، همواره مسلمانان را به تلاش در امور یاد شده توصیه و سفارش نموده است. در جامعه قدیم اسلامی قرض دادن به ممنوع مرسوم بوده است و لیکن به شکل سازمان یافته امروزی در چارچوب سیستم بانکی رایج نبوده است. شاید سازمان یافته ترین نهاد مالی کمک به فقرا در بین مسلمین همان «وقف» بوده است. در سیستم بانکداری اسلامی اعطای قرض الحسنه که با هدف ارتقای وضعیت معیشتی و اقتصادی قشر نیازمند مستلزم منابع مالی کافی است؛ لذا به دلیل آمار بالای متقاضیان، جامعه و یاری رساندن به آنها صورت می گیرد قرض الحسنه و کمبود منابع مالی، باید به فکر تقویت منابع یاد شده بود. از سوی دیگر نهاد مالی وقف که هدفی مشابه با قرض الحسنه دارد و آمارهای رسمی و غیر رسمی حکایت از بهره وری نامطلوب منابع وقفی در جوامع اسلامی دارد (به دلایل مختلف از جمله فرهنگ و نظام متفاوت اداره و بهره برداری از موقوفات)، می تواند امور قرض الحسنه را پشتیبانی کند. همان طور که نتایج پژوهشهای بعمل آمده در جوامع مختلف حاکی از آن است که امروزه در برخی جوامع غیر اسلامی بهره وری بالای منابع وقفی از ارکان پیشرفتهای تحقیقاتی و رشد شاخص های رفاهی و اقتصادی بشمار می آیند.

کلمات کلیدی: وقف، قرض الحسنه، منابع وقفی، شاخصهای رفاهی، سیستم بانکداری.



مقدمه

در همه کشورهای دنیا، ثروتمندان به ویژه در سنین بالا، گرایش دارند بخشی از ثروت خود را در زمان حیات خود، به مصرف اهداف خیرخواهانه ای تخصیص دهند که پس از درگذشت آنان نیز پایدار بماند. دولت ها نیز کوشش می کنند که با بسترسازی لازم و بدون دخالت در فرآیند مدیریت دارایی هایی که واقفان کنار می گذارند، امکان سرمایه گذاری کارآمد این دارایی ها را فراهم آورند و با حمایت قانونی و مالیاتی، جریان وقف را تقویت کنند. در قرآن مجید آیه ای که بر وقف و احکام فقهی آن صراحت داشته باشد وجود ندارد، ولی می توان از باب اولویت به آیه های احسان و انفاق، قرض الحسنه، تعاون و صدقه به رجحان و استحباب وقف استدلال کرد. (ریاحی سامانی، 1378: 20). در کشورهای توسعه یافته، نهاد وقف نیز همچون سایر نهادهای مالی با کارایی بالایی کار می کند و به سازوکاری جهت تخصیص بهینه دارایی ها، تحقق اهداف اجتماعی و تقویت بازار سرمایه بدل شده است، در حالیکه در کشورهای توسعه نیافته، به ویژه به دلیل دخالت اجرایی دولت ها، به نهادی کم اثر تقلیل یافته است. اگر مدیران نهادهای وقفی در دارایی های بلند مدت سرمایه گذاری می کنند، هدف اصلی آنان حفظ ایمنی اصل سرمایه است. از این رو، آن ها سهامی را ترجیح می دهند که سود سهام مداوم دارند و در مقایسه با سهام دیگر، تغییر قیمت کمی دارند. به علاوه نهادهای وقفی هم در اوراق قرضه دولتی و هم در اوراق قرضه شرکت های معتبر سرمایه گذاری می کنند. یعنی هدف دیگر ایجاد درآمد مداومی است که اجازه می دهد، وقف به وظیفه خود که حمایت مالی از حیات گروههای خاصی است، عمل کند. در جامعه ما بسیاری از دارایی های منقول هستند که قابلیت وقف آنها از نظر شرع مقدس پذیرفته شده است و یا حداقل مغایر با شرایط اموال قابل وقف نیست، ولی سکوت قانون یا تردید در صراحت بیان توسط قانون باعث شده است فرصت استفاده از این دست منابع مثل؛ پول، سهام، ... را در حوزه ی وقف از دست بدهیم. بانک قرض الحسنه با مدیریت حرفه ای و فعالیت های سنجیده و مسئولانه نسبت به منابع وقفی سعی در افزایش سودآوری و حمایت از اقشار ضعیف جامعه با اعطای تسهیلات قرض الحسنه خواهد نمود در ضمن اینکه متعهد به استرداد منابع یادشده عندالمطالبه به سازمان اوقاف و امور خیریه خواهد بود و سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان مالک و متولی منابع وقفی، تمام فعالیت ها و مدیریت های بانکداری قرض الحسنه را در خصوص منابع یاد شده نظارت و رصد خواهد کرد. در نهایت سازمان اوقاف و امور خیریه با کمتر کردن پاره ای از فعالیتهای نگهداری و عملیاتی موقوفات تحت تصرف خود، توسعه حوزه ی وقف و نقش نظارتی اش، وظایف و اهداف خود را دنبال خواهد کرد و بانکداری قرض الحسنه هم با اعطای تسهیلات قرض الحسنه بیشتر به اقشار واجد شرایط و ضعیف جامعه به کاهش فقر، بیکاری و حمایت از ضعیفا خواهد پرداخت. برآیند این دو مولفه در سطح کلان نهایتاً به بهبود رشد شاخص های اقتصاد ملی منجر خواهد شد که در اینصورت می توانیم بگوئیم نهاد های مالی اوقاف و بانکداری قرض الحسنه در جامعه ی ما با کارایی مطلوب کار می کنند.

1- مفهوم وقف



وقف در لغت به معنی ایستادن، نگهداشتن، حبس کردن و منحصر کردن چیزی برای استفاده کسی است. اغلب فقها وقف را تحبیس اصل و اطلاق منفعت یا تحبیس اصل و تسبیل ثمره تعریف کرده اند (ریاحی سامانی، 1378: 39) حفظ کردن اصل و رها، مرحوم محقق حلّی در شرایع الاسلام می فرماید: «وقف عقدی است که ثمره آن کردن منفعت است. قانون مدنی در ماده 55 تعریف حقوقی و اصطلاحی وقف می گوید: «وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود» (امینیان مدرس، 1381: 21)

2- انواع وقف

1-2- وقف عام

وقف عام وقفی را گویند که راجع به جهات عامه باشد این قبیل باشد. وقف عام یا شامل جهت است و مصلحت عام را در نظر دارد، مثل وقف بر مساجد، پل ها و مدارس، و یا شامل عنوان عام است، مثل فقرا و ایتم. به تعبیر دیگر می توان گفت؛ وقتی مالک مال منقول قابل دوام یا ملکی را برای کارهای عمومی و عام المنفعه وقف میکند وقف عام میباشد.

2-2- وقف خاص

وقف خاص وقفی است که اختصاص به افراد معینی به طور تعقب داشته باشد بر اولاد و احفاد. به عنوان مثال، مالکی مال غیر منقول یا مال منقول قابل دوام را وقف می کند تا فرزندان او از منافع مال بهره ببرند که این عمل را وقف خاص گویند. از یک جهت دیگر، وقف را به «انتفاع» و «منفعت» تقسیم می کنند. به عنوان مثال اگر مالکی زمین خود را وقف کرد تا در آن مدرسه بسازند یا خانه خود را جهت احداث حسینیه وقف نمود این عمل را وقف انتفاع گویند. اما اگر مالکی چند باب مغازه یا باغ یا ساختمان را وقف نمود تا درآمد آن را متولی وصول کند و برای کمک به ایتم یا روضه خوانی یا درمان بیماران هزینه نماید این اقدام را وقف منفعت می نامند. (همان)

3- تبدیل به احسن کردن مال موقوفه

منظور از تبدیل به احسن کردن موقوفه «ابدال و استبدال عین موقوفه» به کیفیتی بهتر است. لازم است در خصوص دو واژه ی فوق تعریف اجمالی به عمل آید؛ «ابدال» از باب افعال یعنی فروختن عین موقوفه به منظور خرید ملک دیگری به جای آن است. «استبدال» به معنای معاوضه کردن است. منظور از استبدال در باب وقف آن است که عین موقوفه با ملک دیگری معاوضه می شود (امامی، 1388: 94)

4- وقف پول

بر اساس مطالعات ما تعریف جامعی برای «وقف پول» در منابع معتبر حقوقی و اقتصادی یافت نمی شود لذا ما دو مفهوم «پول» و «وقف» را به صورت مجزا تعریف کرده و سپس دو تعریف را تلفیق نمائیم تا به مفهوم مورد نظر برسیم. قبلاً وقف را تعریف کردیم. اینک به تعریف پول می رسیم؛ پول همان وسیله مبادله قانونی در هر کشور خاص است. به عبارت دیگر وسیله مبادله



رایج و قانونی و در گردش هر کشور را "پول" می‌گویند؛ که می‌تواند پول نقد، انواع چک و حواله های بانکی را نیز شامل شود. (خلعت بری، 1380: 333 و 332). پول دارای وظایف سه گانه زیر است:

1- نقش مبادله ای

2- معیار سنجش ارزش

3- داشتن قابلیت ذخیره ارزش

پول امروزی در حقیقت مصداق همان درهم و دینار قدیم می باشد که وقف آن ها در نظر برخی فقها صحیح و در نظر برخی دیگر غیر صحیح بوده است. (فرهنگ، 1379: 749)

5- وقف سهام

در تعریف "وقف سهام" هم به دلیل عدم وجود تعریف جامع در منابع معتبر حقوقی و اقتصادی بایستی «وقف» و «سهام» را بصورت مجزا تعریف نموده و سپس با تلفیق دو تعریف به تعریف وقف سهام برسیم. تعریف وقف و شرایط آن همان است که قبلاً ارائه شد و تعریف سهام عبارتست از سندی که بیانگر میزان و حصه ی هر یک از شرکا در شرکت های تجاری است، مؤلفان حقوقی آن را چنین تعریف کرده اند: سندی است که حکایت از مالکیت حصه ی معین در شرکت تجاری (به نام شرکت سهامی) می کند و صاحب سهم از تمام مزایای مقرر در اساسنامه ی شرکت استفاده می کند. صاحب سهم در همه ی منافع و زیان های شرکت شریک خواهد بود و در اداره ی شرکت دخالت دارد. (جعفری لنگرودی، 1378: 369)، از آنجا که دارندگان سهام در شرکت های تجاری، برای دریافت آن، هر یک میزان مشخصی سهم شرکت (اعم از نقدی یا غیرنقدی) تحویل شرکت داده اند و یا تعهد به تحویل آن دارند، لذا این برگ دارای ارزش اقتصادی است و در برخی موارد با رعایت شرایط ویژه آن - قابل مبادله و انتقال است. (بهرامی، 1379: 146) با استناد به مطالب بالا به این نتیجه می رسیم که ورقه سهام در حکم عین مال منقولی است که قابلیت تملک داشته و می تواند دائمی باشد و با مصرف منافع آن از بین نمی رود پس با هیچکدام از شرایط خاصه وقف در تعارض نمی باشد.

6- سایر منابع و عواید وقفی

عواید منابع وقفی طبق آنچه که در مجموعه قوانین و مقررات اوقاف دیده شده است، دامنه ی وسیعی دارد که در ذیل به چند نمونه عمده اشاره می کنیم؛

6-1- درآمد اجاره



چون متولی بر اساس وقف نامه به اداره وقف می پردازد، در صورت تصریح به اجاره دادن موقوفه در وقف نامه، وی ملزم به اجاره دادن موقوفات است و در غیر این صورت نیز اجاره دادن موقوفات از جمله وظایف وی تلقی می شود (ماده 82 ق.م)، که در صورت امکان واگذاری موقوفه به اجاره بایستی اقدام به این امر کند. (حاتمی و شفقتی، 1380: 144).

6-2- درآمد سرقفلی

در ایجار رقبات بلامعارض موقوفه، جهت استفاده به عنوان محل کسب، صد در صد سرقفلی در صورت تعلق، برابر نظر کارشناس یا خبره ی محلی از طریق مزایده به هنگام تنظیم سند اجاره به نفع موقوفه وصول خواهد شد. (ماده 3 آیین نامه نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی در سازمان اوقاف مصوب 1365).

6-3- درآمد پذیره

وجهی است که به هنگام ایجاد اراضی موقوفه با اعطای حق تملک اعیان به مستأجر به عنوان پذیره ابتدایی و یا به هنگام انتقال رقبات به عنوان پذیره انتقالی حسب مورد به نفع موقوفه با رعایت آیین نامه مربوط دریافت خواهد شد. (سازمان حج و اوقاف و امور خیریه 1365)

6-4- درآمد اهدایی

وجهی است که به هنگام استیجار قانونی به موقوفه تقدیم می گردد (دستور العمل مربوط به تعاریف و اصطلاحات مصوب 1365 سازمان حج و اوقاف و امور خیریه)

6-5- درآمد میراث مطلقه

آن است که واقف مصرف درآمد را برای احسان، خیرات و بریات بدون قید و اختصاص داده باشد.

6-6- درآمد مجهول المصرف

موقوفه ای است که به علت فقدان و یا از بین رفتن قسمتی از وقف نامه و اجمال و ابهام عبارات وقف نامه، نوع مصرف عواید آن مشخص نباشد.

6-7- درآمد متعذر المصرف

درآمد موقوفات متعذر المصرف و موقوفاتی که عواید آنها به سبب قلت گرچه با پس انداز چند سال برای اجرای نظر واقف کافی نباشد با تشخیص (شعب) تحقیق اوقاف در موارد اقرب به غرض واقف در محل به مصرف می رسد. آن قسمت از درآمد موقوفاتی که به علت کثرت عواید زائد بر مصرف متعارف باشد حتی الامکان در موارد اقرب به نظر واقف صرف گردد. و در صورت نبودن مورد اقرب در مطلق امور خیریه به مصرف خواهد رسید.



7- قرض الحسنه

قرض در لغت به معنی بریدن است. قرض و دین در لغت مترادفند و معادل فارسی آنها «بدهی» و «وام» است. شخص با قرض دادن بخشی از مال خود را جدا و رابطه ملکیت آن را با خود قطع می کند. قرض آن است که کسی مال خود را به دیگری بر وجه ضمان تملیک کند. بدین گونه که پرداخت مثل یا قیمت آن برعهده قرض گیرنده باشد، پس قرض، معاوضه نیست. قرض الحسنه از مصادیق قرض غیر ربوی است که دو رکن اساسی دارد:

1- نیازمند بودن وام گیرنده

2- انگیزه معنوی و اخروی وام دهنده

از امام صادق نقل است که وام دادن به مومن «قرض حسن» قلمداد می شود. (وسائل الشیعه، ج 13: 87).

8- تجهیز منابع

مطابق قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب 1362/6/8 در ماده 3، بانک ها می توانند به روش های ذیل نسبت به تجهیز منابع پولی خود اقدام کنند:

الف) سپرده های قرض الحسنه، سپرده های پس انداز، سپرده های جاری.

ب) سپرده های سرمایه گذاری مدت دار.

در واقع بانک ها از طریق پذیرش سپرده های مردم می توانند منابع خود را تجهیز کنند. هرچه قدر میزان این منابع در بانک بیشتر باشد قدرت و توانایی بانک برای اعطای تسهیلات و انجام فعالیت های مرتبط با امور بانکی افزایش می یابد. (مسعودی، 1387: 117).

9- بانکداری عرفی و اسلامی و قرض الحسنه

9-1- بانکداری عرفی

بانکداری عرفی بر پایه عقد قرض استوار است که در آن اصل سپرده ها باید حفظ و تضمین شود، عملیات بانک نباید زیان ده باشد، به عبارت دیگر عملیات بانک بایستی سود آور و مطمئن باشد. بهره بانک باید ثابت و قطعی بوده و در حقیقت عامل پایداری بانک اخذ بهره و کامزد از وام گیرندگان و مشتریان خدمات بانکی می باشد. (بهره پرداختی به سپرده گذاران به میزان کمتر از بهره دریافتی از وام گیرندگان خواهد بود). به همین خاطر به منظور فعالیت بانک ها در حوزه تخصص و صلاحیت خود، قوانین ناظر بر بانکداری از جمله قانون پولی و بانکی کشور در سال 1351 قبل از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایران، در ماده 34 خود، انجام برخی فعالیت ها از جمله "معاملات غیرمنقول و خرید و فروش کالا به منظور تجارت" را برای



بانک ها ممنوع ساخته است. با توجه به اینکه ماده 1 قانون قانون بانکداری مصوب 1334 و هم چنین ماده 85 قانون بانکی و پولی مصوب 1339 بانک را به صورت شرکت سهامی تعریف نموده که مطابق قانون تجارت تشکیل شده و به عملیات بانکی می پردازد و از طرف دیگر بند 7 ماده 2 قانون تجارت هر قسم عملیات صرافی و بانکی را جزو معاملات تجارتي می شناسد پس اصولاً بانک به عنوان یک موسسه تجارتي شناخته می شود لیکن چون معاملات غیر منقول طبق ماده 4 قانون تجارت به هیچ وجه جزء معاملات تجارتي محسوب نمی شود و با ماهیت تجاری بانک در تضاد است از آن جهت در ماده 34 قانون پولی و بانکی کشور برای فعالیتهای بانک از باب احتیاط و پیشگیری از به خطر افتادن سپرده مردم و بر آورده شدن اصول اساسی بانکداری عرفی بوده باشد. چون در بانکداری عرفی که بانک متعهد به عملیات مطمئن و سودآور و پرداخت بهره قطعی به سپرده ها می باشد لذا انجام خرید و فروش کالا به قصد تجارت همواره ریسک پذیرش زیان را نیز با خود دارد. (چون در تجارت هم سود و هم زیان ممکن است اتفاق بیافتد).

9-2- بانکداری اسلامی

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران، تحولی عظیم در نظام بانکی کشور ایجاد شد. نظام بانکداری عرفی اصلاح شد و جای خود را به بانکداری اسلامی داد. بانکداری اسلامی، بانکداری عرفی را نفی نکرد بلکه قانونگذاران بانکی، بانکداری عرفی را مقید به موازین شرعی و اسلامی نموده و آن را به رنگ و بوی اسلامی مزین کردند. بانکداری اسلامی در چند مسیر عمده و مهم از بانکداری عرفی متمایز است که از جمله آن ها، ممنوعیت معاملاتی است که بر مبنای نرخ ثابت و از پیش تعیین شده ای (بهره استوار است و دیگر اینکه بایستی عملیات بانکی آن بر اساس روش های معینی و با استفاده از ابزار مالی خاصی) قالب روشهای اسلامی) صورت پذیرد که خود آن به دو دسته تقسیم می شود:

الف) آنهایی که بر اساس اصل سهیم شدن در سود و زیان استوارند.

ب) آن هایی که درصد مشخصی از مال موضوع معامله را عاید شخص می کنند.

وجه تمایز دیگر، سپرده های سرمایه گذاری هستند که بدون تضمین نرخ ثابت بهره و ارزش سرمایه، سود و زیان آن بر اساس قرارداد بین بانک و مشتری تقسیم می شود و ویژگی آخر اینکه سپرده های عندالمطالبه ای هستند که از نظر ارزش سرمایه تضمین شده اند ولی هیچ مبلغ اضافه ای بابت آن ها پرداخت نمی شود شاید به این دلیل که به عنوان نوعی امانت در نزد بانک واگذار گردیده اند ولی در اصل نوعی قرض است، چون اگر امانت بود در صورت تلف شدن سرمایه و عدم اثبات تعدی و تفریط بانک، مسئولیتی متوجه بانک نبود، ولی حقیقت آن است که، چون قرض است بایستی به محض مطالبه مشتری مسترد گردد. (مسعودی، 1387: 29). ویژگی ممتاز و در حقیقت مشکل اصلی در بانکداری اسلامی نبود فرصت، های سرمایه گذاری انتفاعی است چون این بانکداری بر مبنای مشارکت و مضاربه برای تأمین مالی پروژه ها استوار است و اگر این پروژه ها منجر به سود دهی نشوند و یا احیاناً منجر به زیان دهی شوند، بانک اسلامی تمام یا قسمتی از سرمایه خود را از دست خواهد داد و هیچ محمل قانونی نیز برای استرداد آن وجود نخواهد داشت. (همان: 29) بانک موسسه ای اعتباری و مالی و تجاری است (ولی مستقیماً



درگیر تجارت نمی شود) که با تجهیز منابع از طریق جذب سپرده های مردم، با هدف کسب سود مبادرت به سرمایه گذاری یا اعطای اعتبار می کند (یعنی به صورت مستقیم مدیریت وجوه را بر عهده دارد) بعلاوه خدمات مالی دیگری نیز به مشتریان خود ارائه می دهد، یعنی به صورت مستقیم مدیریت وجوه را بر عهده دارد.

9-3- بانکداری قرض الحسنه

اساس بانکداری قرض الحسنه در واقع همان صندوق های قرض الحسنه می باشند که شالودهء تشکیل آنها «بند الف ماده 2 آیین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری مصوب 1337» می باشد. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در ماده 1 مقررات مربوط به صدور مجوز و نحوه فعالیت صندوق های قرض الحسنه چنین آورده است:

ماده 1) صندوق قرض الحسنه که از این پس "صندوق" نامیده می شود، مؤسسه ای است غیرانتفاعی از نوع موسسات مذکور در بند الف ماده 2 آیین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری مصوب 1337/5/5 که در چارچوب این مقررات و اساسنامه خود فعالیت می کند و صرفاً به امر دریافت و پرداخت قرض الحسنه مبادرت می نماید.

ماده 2) بانک با الهام از تعالیم عالیه اسلام با هدف غیر انتفاعی جهت ارائه تسهیلات قرض الحسنه برای رفع نیازهای ضروری اشخاص حقیقی و هم چنین اشخاص حقوقی که به امور خیریه می تاسیس می پردازند گردد.

ماده 3) عملیات بانک هیچ گاه نباید منجر به تامین منابع مالی برای سهامداران و یا منحصر به اشخاص و گروه های معین به صورت تبعیض آمیز باشد.

ماده 4) تشکیل بانک صرفاً به صورت شرکت سهامی عام و با سهام با نام امکان پذیر است.

ماده 5) تاسیس بانک و اشتغال به عملیات مربوط با رعایت قانون پولی و بانکی کشور قانون عملیات بانکی بدون بختنامه، ربا های صادره از بانک مرکزی و رعایت مفاد این دستورالعمل مجاز است.

10) معیار شیء واحد

قرض دهنده و قرض گیرنده و دو طرف سپرده گذاری هنگام عقد قرض و سپرده ارزش پول را با، ارزش کالایی که ارزش اسمی آن تقریباً هماهنگ با میزان افزایش تورم فزونی می یابد در نظر بگیرند و پول را به صورت معادل یا بدل از آن شیء قرض دهند یا سپرده گذاری کنند و هنگام قرارداد شرط کنند که موقع بازپرداخت معادل یا بدل آن پول را در قرض باز پس دهند و در سپرده گذاری اصل آن را و مازاد بر قیمت، معادل یا بدل آن پول را سود سپرده گذاری قرار دهند، بنابراین با دریافت معادل یا بدل مال قرض داده شده، هیچ گونه مازادی را در مقایسه با هنگام قرض دادن دریافت نکرده است.

11- صندوق های وقفی



در برخی کشورهای توسعه یافته مثل ایالات متحده آمریکا، موسسات خیریه یا واقفان ناچار نیستند دارایی های موضوع وقف را خودشان اداره کنند. آن ها می توانند از طریق شرکت های خدمات مدیریت وقف، صندوق هایی را ایجاد کنند و بطور موثر و ساده و منعطف دارایی های وقفی را اداره کنند. این ایده از چندین سال پیش در کشورهای توسعه یافته با تجربه ای موفق در حال فعالیت است و به نحو مطلوبی هم ارزش اقتصادی دارایی های وقفی را حفظ می کند و هم نیت واقفان را برآورده می سازد و هم به دلیل عملکرد مطلوبش، روز به روز به شمار خیرین در آن جوامع افزوده می شود. در فرآیند تشکیل این صندوق ها؛ ابتدا واقف طی قرارداد وقف، مالی را وقف موسسه ای (مثل دانشگاه) می نماید. وقتی این مال در اختیار موسسه قرار گرفت، این موسسه با امضای سند وقف، از شرکت خدمات مدیریت وقف در خواست می کند که صندوق وقف را تشکیل دهد. پس از تعیین اهداف وقف (مثلاً واقف مشخص می کند که مبالغ حاصله باید صرف بورسیه تحصیل دانشجویان شود)، شرکت خدمات مدیریت وقف نیز حساب های لازم را افتتاح می کند و مال وقفی و اعانات را می پذیرد. مدیریت خدمات وقف اقدامات لازم را انجام و گزارش ها را به هیات مدیره می دهد. اداره وجوه نیز به چند صورت انجام می شود: یکی اینکه، خود واقف دستگاه مستقلی برای اداره وجوه درست کند. دوم اینکه، واقفان متعدد نزد یک شرکت مدیریت خدمات وقف صندوق های خود را تشکیل می دهند. شرکت های مدیریت خدمات وقف با بهره مندی از مدیران حرفه ای سرمایه گذاری مدعی هستند که به بهترین شکل دارایی های وقفی را سرمایه گذاری کرده و منافع حاصله را نصیب ذینفعان می نمایند.

12- تعریف عملیاتی

با مطالعه نحوه فعالیت صندوق های وقفی و نقش آفرینی شرکت های مدیریت خدمات وقف در اعمال مدیریت حرفه ای بر منابع وقفی آن صندوق ها بانکداری قرض الحسنه برای برخی منابع و عواید وقفی در نظر گرفته شده که در تولید و تصرف سازمان اوقاف و امور خیریه می باشند، نقش مشابه مدیریت حرفه ای خدمات وقف را بر عهده می گیرد. در تحلیل حقوقی استفاده از وقف منفعت دارایی های مالی برای اهداف قرض الحسنه می توان گفت در مورد استفاده از وقف منافع دارایی های مالی مثل اوراق مشارکت، اوراق قرضه سهام و سایر اوراق بهادار؛ در رابطه با وقف سهام می توان گفت در صورت مغایر نبودن وقف سهام با مبانی فقهی و حقوقی، با استفاده از مبانی نظری موجود در لابلای قوانین ایده هایی برای بهره برداری از ظرفیت منافع سهام وقف شده در راستای اعطای تسهیلات قرض الحسنه وجود دارد. در این نوشتار از عمل حقوقی وقف با عنوان عقد وقف یاد می کنیم، هر چند که برخی مؤلفان و حقوقدانان اسلامی، وقف را ایقاع می دانند. اما نظر مشهور، بر عقد بودن آن صحه می گذارد. (کاتوزیان، 1384: 156).

13- نتیجه گیری

همانطوریکه دیدیم یکی از اهداف اصلی دین متعالی و نوع دوست اسلام دستگیری از مستمندان می باشد و از همان صدر اسلام راهکارهای مختلفی را برای تحقق این مهم پیش بینی کرده است که تحت عنوان کلی «کار خیر یا عمل صالح» شامل؛ صدقه،



وقف، زکات، قرض به خدا و امثالهم می باشد و برای هر کدام ثواب و اجر اخروی خاصی نیز وعده داده است. مسلمانان برای رستگاری در دنیا و آخرت عمل صالح یا کار خیر را با نیت خشنودی خداوند باریتعالی و با اشتیاق کامل انجام می دهند و حتی در انجام این گونه امور از هم دیگر سبقت می گیرند. وقف و قرض از سرآمدترین کارهای خیری است که انبیاء و اولیاء الهی با در نظر گرفتن شرایط و نیازهای جامعه خود به آن عمل نموده و به پیروان خود نیز سفارش نموده اند. مطمئناً شناخت نیازهای روز جامعه مسلمین در اثر بخشی اعمال خیر یاد شده بسیار حائز اهمیت است. پس اعمالی مثل وقف یا قرض نباید حالت کلیشه ای به خود بگیرد و بعد از قریب 1500 سال نیاز بروز رسانی احکام آنها کاملاً احساس می شود. در جامعه امروزی فقط رفع نیاز از نیازمند کفایت نمی کند بلکه باید کاری کرد که نیازمند به خودکفایی و خودگردانی برسد به این منظور باید فضای کسب و کار به روی وی گسترده شود و لذا بایست امکانات اولیه را در اختیار او قرارداد. موضوعی که در همه جوامع اسلامی و غیر اسلامی به طور جدی و با روشهای متعدد به آن پرداخته می شود. در این بین مطالعه دستاوردها و موفقیت ها، نقاط ضعف و قوت جوامع مختلف در زمینه امورخیریه ضروری است تا بتوان ضعف ها و کاستی های جامعه خود را برطرف کرد و قوت ها را مضاعف نمود تا به صورت مطلوبتری به هدف فقر زدایی نایل آمد که آثار اقتصادی آن کلان و مثبت و قابل توجه خواهد بود. بانکداری اسلامی به تبعیت از شریعت ناب محمدی در راستای تحقق آرمان خودکفایی نیازمندان به عنوان واسطه خیر، تسهیلات متنوعی را فراهم آورده است که از جمله آنها می توان به وام های قرض الحسنه اشاره کرد. آمار بالای متقاضیان استفاده از تسهیلات قرض الحسنه و محدودیت توان مالی بانکداری اسلامی در پاسخگویی به آن ها، تدابیر خاصی را برای خدمت رسانی مطلوب می طلبد. یکی از تدابیر عملی استمداد از نهاد مالی وقف می باشد. چنانکه دیدیم یک سری ظرفیت های خاصی در وقف وجود دارد که با هدفمند کردن استفاده از این ظرفیت ها و هدایت آنها به سوی بانکداری اسلامی می توان: هم نیت واقفان را برآورده ساخت، هم از معطل ماندن و یا تلف شدن برخی منابع و عواید وقف مثل ثمن بیع مال وقفی تا زمان خرید موقوفه جدید، وقف پول، وقف سهام، برخی عواید موقوفات کلی تا زمان به مصرف رسیدن در محل اصلی و منابعی از این دست، جلوگیری کرد و هم بانکداری اسلامی (قرض الحسنه) را در انجام اهداف خیرخواهانه اش یاری رساند.

فهرست منابع

- 1- امامی، سید حسن، (1388)، احکام وقف در شریعت اسلام، فصلنامه مشکات، شماره 50.
- 2- امینیان مدرس، محمد، (1388)، وقف از دیدگاه حقوق و قوانین، تهران، انتشارات سمت.
- 3- بهرامی، محمد، (1379)، وقف میراث جاودان، فصلنامه پژوهشی فقهی - حقوقی در وقف سهام شرکتها، تابستان، شماره 30.
- 4- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (1378)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد چهارم، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.



- 5- حاتمی، علی اصغر و شفقتی، ویدا، (1380)، **اجاره مال موقوفه**، مجله مطالعات اسلامی، بهار و تابستان، شماره 51 و 52.
- 6- خلعت بری، فیروزه، (1380)، **مجموعه مفاهیم بانکی و بین المللی**، تهران، چاپ اول، انتشارات شبانویز.
- 7- ریاحی سامانی، نادر، (1383)، **چگونه وقف کنیم**، انتشارات آستان قدس رضوی.
- 8- ریاحی سامانی، نادر، (1390)، **وقف و امور خیریه در آئینه برنامه پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه وقف میراث ماندگار، شماره 74.
- 9- فرهنگ، منوچهر، (1379)، **فرهنگ علوم اقتصادی**، تهران، چاپ سوم، انتشارات پیکان.
- 10- کاتوزیان، ناصر، (1382)، **قانون مدنی در نظم کنونی**، تهران، نشر میزان، چاپ نهم.
- 11- مسعودی، علیرضا، (1387)، **حقوق بانکی**، تهران، انتشارات پیشبرد.
- 12- آیین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری مصوب 1337/5/5.
- 13- دستور العمل مربوط به تعاریف و اصطلاحات مصوب 1365 سازمان حج و اوقاف و امور خیریه.